


Public Organizations *Open Access* Management

Spring (2024) 12(2): 89-102

 DOI: <https://doi.org/10.30473/ipom.2023.69296.4891>

Received: 20/June/2023

Accepted: 22/Nov/2023

ORIGINAL ARTICLE

The Element of Population and the Role of the Government in Managing and Preventing Its Reduction Based on Jurisprudence

Alireza Jafarzadeh

1. Assistant Professor,
Department of Theology,
Payame Noor University,
Tehran, Iran.

Correspondence

Alireza Jafarzadeh
Kouchaki
E-mail:
az.jafarzadeh@Pnu.ac.ir

How to cite

Jafarzadeh Kouchaki, A.R.

(2024). The Element of
Population and the Role of
the Government in Managing
and Preventing Its Reduction
Based on Jurisprudence.
*Public Organizations
Management*, 12(2), 89-102.

ABSTRACT

The issue of population and its management is one of the most important issues of a society and government. In Islamic jurisprudence, it has been mentioned about population and generation as well as its effects and blessings. In addition to that, the order of the Holy Quran and the honorable Imams (peace be upon them) regarding the production of the generation and the upbringing of righteous children, there are also many disasters and damages in the way of the families due to the reduction of the population and the threat of the generation. Therefore, it is necessary for government administrators to take the necessary precautions and measures, taking into account the jurisprudential foundations of generation and the dangers of population decline, as well as the proper upbringing of children. In this article, firstly, the population is examined from a lexical and idiomatic point of view, then the population is examined from the perspective of verses, traditions and Islamic jurisprudence, and then it discusses the harmful effects of the lack of population and the merits of the population, and at the end, while finding the roots, it mentions some suggestions for the government officials. It has paid to increase the population.

KEYWORDS

Population, Islamic Jurisprudence, Management, Birth.



© 2024, by the author (s). Published by Payame Noor University, Tehran, Iran.

This is an open access article under the CC BY (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

<https://ipom.journals.pnu.ac.ir/>

«مقاله مروری»

عنصر جمعیت و نقش دولت در مدیریت و جلوگیری از کاهش آن براساس مبانی فقهی

علیرضا جعفرزاده کوچکی

چکیده

مسئله جمعیت و مدیریت آن، از مهم‌ترین مباحث یک جامعه و دولت است، در فقه اسلامی نسبت به جمعیت و تولید نسل و همچنین آثار و برکات آن تذکر داده شده است و چه بسا کم‌جمعیتی تأثیر زیاد و غیرقابل‌انکاری بر قوت و ضعف دولت به شمار می‌آید. در کنار آن، سفارش قرآن کریم و ائمه بزرگوار (علیهم‌السلام) نسبت به تولید نسل و تربیت فرزندان صالح، آفات و آسیب‌های زیادی نیز در سر راه خانواده‌ها نسبت به کاهش جمعیت و تهدید نسل وجود دارد. لذا لازم است که مدیران دولتی با توجه مبانی فقهی نسبت به تولید نسل و خطرات ناشی از کاهش جمعیت و همچنین تربیت صحیح فرزندان اهتمام و تدابیر لازم را اتخاذ نمایند. در این مقاله ابتدا جمعیت را از لحاظ لغوی و اصطلاحی و سپس جمعیت را از دیدگاه آیات و روایات و فقه اسلامی مورد بررسی قرار داده و سپس به آثار زیان‌بار کمبود جمعیت و محاسن جمعیت پرداخته و در پایان نیز ضمن ریشه‌یابی به ذکر چند پیشنهاد برای دولت‌مندان در جهت افزایش جمعیت پرداخته است.

واژه‌های کلیدی

جمعیت، فقه اسلامی، مدیریت، زاد و ولد.

۱. استادیار، گروه الهیات، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

نویسنده مسئول: علیرضا جعفرزاده کوچکی
رایانامه:

az.jafarzadeh@pnu.ac.ir

استناد به این مقاله:

جعفرزاده کوچکی، علیرضا (۱۴۰۳). عنصر جمعیت و نقش دولت در مدیریت و جلوگیری از کاهش آن براساس مبانی فقهی. فصلنامه علمی مدیریت سازمان‌های دولتی، ۱۲(۲)، ۸۹-۱۰۲.

مقدمه

با توجه به شرایط کنونی جوامع که همه افراد گرایش به فرزند کمتر دارند و باعث کاهش نرخ رشد زاد و ولد شده‌اند باید گفت کاهش نرخ زاد و ولد و پیر شدن جمعیت علاوه بر بروز مشکلات بسیار در زمینه اقتدار و پیشرفت جامعه، کین و بنیان خانواده را با خطراتی مواجه می‌سازد و صدمات جبران‌ناپذیری به سلامت روحی و روانی فرزندان وارد می‌سازد. شایان ذکر است که خانواده‌های تک‌فرزند از نظر عاطفی احتمال شکست و گسست بیشتری دارند و در مقابل، محیط خانواده‌های با چند فرزند، صمیمی‌تر و همراه با ابزار عاطفه و مهرورزی بیشتر است (صابری مجد و کرمی، ۱۴۰۲).

تکثیر نسل در قرآن موضوع مسلم و مطلوبی است و به طرق مختلف به آن توصیه می‌شود. بعضی آیات در قرآن کثرت نسل را نعمت الهی برای پدر و مادر می‌داند. بعضی آیات، اشاره به درخواست انبیای الهی برای داشتن فرزند می‌کند که این درخواست و دعا، دلالت بر اهمیت و برکت فرزند در خانواده دارد. در آیاتی دیگر، خداوند از سقط جنین و کشتن فرزند به علت ترس از فقر نهی می‌کند. همچنین، قرآن کریم تکثیر نسل را ثمره و هدف ازدواج معرفی می‌کند. تمام این آیات بر افزایش فرزندآوری برای حفظ نظام خانواده دلالت دارد.

آیاتی کثرت فرزند را نعمت الهی و نوعی امداد خداوند نسبت به پدر و مادر می‌داند. نخستین این آیات در سوره نوح بیان شده است «وَوَيْدُكَمُ بِالْمَوْلَىٰ وَبَيْنَٰهُمَا رَحْمَةٌ وَبَيْنَٰهُمَا رَحْمَةٌ وَبَيْنَٰهُمَا رَحْمَةٌ» (نوح/ ۱۲)، آیه دیگری که فرزند را نعمت معرفی می‌کند، آیه «وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِالْمَوْلَىٰ وَبَيْنَٰهُمَا رَحْمَةٌ وَبَيْنَٰهُمَا رَحْمَةٌ وَبَيْنَٰهُمَا رَحْمَةٌ» (اسراء/ ۶) است (جهاندوست، ۱۳۹۱).

در کشور ما ایران، میزان رشد جمعیت در سال‌های ۵۵ تا سال ۷۵ به طور کلی خطر افزایش جمعیت دولت را به فکر اتخاذ تصمیمی اساسی مبنی بر کاهش زاد و ولد انداخت. به هر حال در آن سال‌ها جلسات و کنفرانس‌ها و سمینارهای مختلفی برگزار گردید تا به نحوی جلوی افزایش بی‌رویه جمعیت گرفته شود، که تقریباً تمام مسئولان کشور با این اقدام موافق بودند. اما اکنون و با توجه به مساحت کشور خطر بیماری‌ها، حوادث طبیعی و غیرطبیعی، تهدیدها و ... با هشدار رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی)، خطر تهدید نسل برای آینده ایران اسلامی اعلام شده است. در این مقاله در پی آنیم تا بدانیم که از منظر فقه اسلامی واقعاً کاهش جمعیت تا چه

از آنجا که فقه اسلامی جامع و مانع، به مسئله جمعیت که جزء سرمایه اصلی یک حکومت می‌باشد در کنار سایر موضوعات مورد تأکید قرار داده است و در کنار آن، برخی از آیات و روایات به آن اشاره کرده است، البته علاوه بر فقه اسلامی، سایر ادیان آسمانی، پیروان خود را به افزایش جمعیت با ایمان و شایسته، به اندازه‌ای که معقول باشد، فرا می‌خواند. در این باره روایات زیادی از شیعه و سنی وارد شده است که به روشنی بر این مدعا دلالت دارند. علاوه بر این معمولاً در خانواده‌های تک‌فرزند، پدر و مادر از نظر عاطفی به شدت به او وابسته می‌شوند؛ به طوری که احساس می‌کنند باید همه خواسته‌های او را برآورده کنند. برآورده کردن این خواسته‌ها در برخی موارد به اندازه‌ای می‌رسد که والدین ناخواسته برای راضی کردنش به او باج می‌دهند. همین آموزه باج‌گیری در آینده کودک بسیار تأثیرگذار است. این توجه به مهم‌ترین عارضه تک‌فرزندی یعنی «فرزند سالاری» منجر می‌شود (طلعتی، ۱۳۸۷). بنابراین در این دنیای پر آشوب که دشمن در کشورهای مسلمان با انواع و اقسام نیرنگ‌ها و فریب‌ها به دنبال نابودی این جوامع می‌باشد، نقش جمعیت به خوبی در استحکام و قوت این کشورها نمود پیدا می‌کند و این در آیات قرآن کریم و در مبحث تفسیری آن به روشنی دیده می‌شود.

به خوبی پیداست که آمریکا و استکبار جهانی که دشمن اصلی اسلام و قرآن می‌باشند به دنبال از بین بردن نیروی انسانی کشورهای مسلمان است و این مسئله در کشورهای از جمله افغانستان، عراق، پاکستان، فلسطین، سوریه، لبنان و دیگر کشورهای مسلمان نمایان است. اشغال عراق و افغانستان، کشتار مظلومانه مردم آنان و هزاران علت و بهانه دیگر خود دلیل محکمی بر از بین بردن نیروی انسانی این کشورهاست که نشان از نقش طولانی مدت دارد تا بر همگان ثابت شود که دشمن به دنبال کم کردن جمعیت مسلمان در جهان می‌باشد. لذا مدیران کشور ما بعد از تبلیغات فراوان در دهه هفتاد مبنی بر کاهش جمعیت، الان با توجه به سرعت پایین رشد جمعیت در کشور ما به این نتیجه رسیده‌اند که کاهش جمعیت معضلی نگران‌کننده برای آینده کشور می‌باشد و حتی رهبر فرزانه انقلاب نیز در بیانات خود در چندین مورد به این مسئله مهم اشاره کرده‌اند و این حاکی از اهمیت این موضوع است. همچنین بدون شک جمعیت را می‌توان به منزله یک سرمایه اجتماعی که دارای نقش بسیار مهمی در پیشرفت هر جامعه‌ای شهری و روستایی هست دانست.

وجود دارد که به موضوعات مهم جمعیتی از جمله ازدواج و خانواده (شوری/۱۱؛ فاطر/۱۱)، کمیت جمعیت (نوح/۶؛ اسراء/۱۲) و کیفیت جمعیت (نور/۳۳؛ بقره/۲۳۳؛ احقاف/۱۵) پرداخته شده است که هر کدام به نوعی به مسئله جمعیت اشاره دارند. در سوره اعراف در راجع به جمعیت آمده است که: یادتان نرود، «إِذْ كُنْتُمْ قَلِيلًا» شما جمعیتتان قلیل بود، کم بود. «فَكَثُرَكُمُ» (اعراف/۸۶) جمعیت شما را بیش تر کردیم. این یعنی چه؟ یعنی کثرت جمعیت یک ارزش است. در واقع خداوند نسبت به کاهش جمعیت مسلمانان احساس خطر می کند، لذا اشاره دارد که ای مسلمانان به هوش باشید که جمعیت کم برای جوامع اسلامی نوعی زنگ خطر در مواجهه با دشمنان است. بنابراین به فکر چاره اندیشی باشید. یکی از تلاش های دشمنان این است که نسل ما را کم کنند؛ تا به اهداف مورد نظر خود برسند، زیرا می دانند که امکان دسترسی و نابودی جوامع اسلامی با جمعیت کم بیشتر است. لذا در کشورهای مسلمان در این چند دهه اخیر دقیقاً بر روی این موضوع سرمایه گذاری کرده اند.

در سال های قبل دکترها، استادان دانشگاهی، بعضی از روحانیون و افراد مختلفی بوده اند که تحت عنوان تنظیم خانواده و شعار «اولاد کمتر، زندگی بهتر»، ندانسته به دنبال پیاده کردن نقشه دشمن بوده اند. در احادیث آمده است که هر زمان یک چیزی به سمت شما آمد و نمی دانید حق چیست، باطل چیست! «فعلیکم بالقرآن». با قرآن بسنجید که این حق است، یا حق نیست. حالا! قرآن راجع به جمعیت و بچه دار شدن چه می گوید؟ می گوید: یادتان نرود، «إِذْ كُنْتُمْ قَلِيلًا» شما جمعیتتان قلیل بود، کم بود «فَكَثُرَكُمُ» (اعراف/۸۶) جمعیت شما را بیش تر کردیم. این یعنی چه؟ یعنی کثرت جمعیت یک ارزش است. لذا باید بیشتر به هوش باشیم و این خطر بزرگ را دفع نماییم.

قرآن کریم در خصوص کاهش جمعیت از ترس فقر و گرسنگی اشاره دارد که:

وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ حَشِيَّةً ۖ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْئًا كَبِيرًا (اسراء/۳۱)

و از بیم تنگدستی فرزندان خود را مکشید ماییم که به آن ها و شما روزی می بخشیم آری کشتن آنان همواره خطا و اشتباه بزرگی است.

عالم بزرگوار علامه طباطبایی در توضیح این آیه می فرماید:

«معنای آیه این است که فرزندان خود را از ترس اینکه مبادا دچار فقر و هلاکت شوید و به خاطر ایشان تن به ذلت

حد می تواند به یک کشور آسیب برساند؟ مدیران چگونه می توانند برای مقابله با کاهش جمعیت از فقه اسلامی استفاده نمایند؟ و ده ها مسئله دیگر، بی تردید بر همگان ثابت است که جمعیت یک کشور به خصوص جمعیت جوان آن در رشد و شکوفایی مؤثر است و این مهم در بخش کشاورزی، صنعت، معادن و از همه مهم تر در بحث تولید و گسترش علم که رقابت کشورها را شامل می شود ناشی از مسئله جمعیت به خصوص جمعیت جوان کشور است.

با توجه به اینکه مسئله جمعیت و خطرات ناشی از کاهش آن امروزه بیش از هر زمان دیگر محسوس می باشد و رهبر انقلاب و مسئولان امر نسبت به اشتباهی که در دهه ۷۰ مبنی بر کاهش جمعیت صورت گرفت و خطرات ناشی از آن را امروزه گوشزد می کنند. لذا بر آن شدیم تا نسبت به این موضوع حیاتی به سؤالات و مسائل پیشرو پاسخ دهیم. در این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤالات ذیل می باشیم:

(۱) دیدگاه فقه اسلامی نسبت به مسئله خانواده، جمعیت و کاهش آن چیست؟
(۲) براساس فقه اسلامی و مدیریت دولتی چه راهکارهای مناسبی را می توان در تشویق خانواده ها به تولیدمثل و زاد و ولد ارائه کرد؟

مبانی نظری

جمعیت

جمعیت به لحاظ لغوی معادل Population Structure است که به معنای ساختمان، ساخت و یا ساختار جمعیت است (آریان پور، ۱۳۸۵). به لحاظ اصطلاحی مجموعه عناصر و ویژگی ها و روابط نسبتاً پایدار جمعیت است که در طول زمان در ارتباط با یکدیگر دارای شکل و ترکیب خاصی شده اند، به نحوی که تغییر آن در مدت زمان کوتاه بسیار دشوار است. جمعیت یا اهالی یک منطقه یا کشور به تعداد افراد یا اشخاصی گفته می شود که در آن منطقه یا کشور زندگی می کنند. جمعیت یک جامعه می تواند به صورت موقت یا دائم باشد و از نظر شماری می تواند متنوع باشد، از جمعیت کوچک تا بزرگ. به منظور تدبیر موارد مختلف اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، شناخت جمعیت و تحلیل آماری آن از اهمیت بسزایی برخوردار است (تمنا، ۱۳۸۷). کثرت جمعیت از دیدگاه قرآن یک ارزش است (زنجانی، ۱۳۷۶).

قرآن کریم به عنوان کتابی جامع برای مسلمانان خود را طرفدار جمعیت مطلوب و مناسب معرفی کرده و آیات زیادی

فرزنددار شدن افراد، پاداش‌های بسیاری تعیین و بیان کرده است.

یکی از گرایش‌های طبیعی و غریزی در انسان، علاقه به فرزند است. انسان همان‌گونه که نمی‌تواند بی‌همسر زندگی کند و احساس کمبود شدید عاطفی می‌کند، در صورت نداشتن فرزند هم احساس کمبود و نقص شدید می‌کند. از این رو یکی از دعوای افراد حتی پیامبران، داشتن فرزند است و حضرت ابراهیم (علیه‌السلام) در پیری. (حجر/۵۱-۵۴؛ صافات/۸۳ و ۱۰۱) و نیز حضرت زکریا (علیه‌السلام) در سنین کهنسالی خواهان فرزند می‌شوند (آل عمران/۳۸ و ۳۹؛ مریم/۲-۷) و خداوند دعوای ایشان را مستجاب کرده و به ایشان فرزندی می‌دهد.

خداوند در آیه ۱۴ آل عمران هنگامی که زینت‌های انسانی را بر می‌شمارد به علاقه‌مندی و محبت شدید انسان به فرزند اشاره می‌کند و آن را در کنار اموری چون همسر دوستی و مال دوستی قرار می‌دهد. این بدان معناست که یکی از خصوصیات طبیعی و گرایش فطری و غریزی انسانی در دنیا، گرایش به فرزند است. همین گرایش شدید افراد را به نمایش و رخ کشیدن فرزندان برای فخرفروشی و افتخار کردن وامی دارد و آنان هنگام برشماری قدرت و توان و عزت و شرافت خویش، شمار فرزندان خود را به رخ دیگران می‌کشند (کهف/۳۴ - ۳۹؛ سبأ/۳۴-۳۵؛ مریم/۷۷).

به هر حال، انسان، در زندگی دنیا نیازمند اموری است که ارتباط تنگاتنگی با سعادت دنیوی او دارد و خود را با این امور، خوشبخت احساس می‌کند. این علاقه‌مندی انسان به امورات دنیوی هرچند که در شکل افراطی آن به‌ویژه در مقیاس با خدا و آخرت نادرست است، ولی یک گرایش طبیعی و حتی ارزشی است؛ زیرا اگر به‌عنوان مقدمه اموری چون رضایت خداوندی باشد، یک ارزش قابل‌ستایش است. به خاطر همین علاقه‌مندی انسان به این امور، خداوند مهم‌ترین آزمون‌ها را برای رشد و تعالی انسان و نیز پذیرش ایمان، در مال و فرزند قرار داده است (انفال/۲۸؛ تغابن/۱۴-۱۵؛ بقره/۱۵۵).

گرایش به فرزند اختصاص به افراد خاص ندارد بلکه همه انسان‌ها در هر درجه و مرتبه‌ای از ایمان و کفر، به‌طور طبیعی و غریزی گرایش به فرزند دارند و علاقه‌مند هستند که فرزندی داشته باشند؛ چنانکه می‌خواهند همسری داشته باشند تا در کنار او به آرامش برسند و از مواهب جنسی و لذایذ آن بهره‌مند شوند و تناسل و تولیدمثل کنند. قرآن می‌فرماید پیامبران دعا می‌کردند: «فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا يَرْثُنِي وَ يَرِثْ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ» (مریم/۶-۵) خدایا بچه می‌خواهم و به

گدایی دهید به قتل نرسانید و دختران خود را از ترس اینکه گرفتار داماد ناجوری شوید و یا به جهت‌های دیگری مایه آبروریزی شما شود مکشید زیرا این شما نیستید که روزی اولادتان را می‌دهید تا در هنگام فقر و تنگدستی دیگر نتوانید روزی ایشان را برسانید، بلکه ماییم که هم ایشان و هم شما را روزی می‌دهیم، آری کشتن فرزندان خطایی است بزرگ (طباطبایی، ۱۳۸۷: ج ۱۳: ۱۱۶)

اما باید توجه داشت که کشتن فرزندان از ترس تنگدستی با کنترل موالیذ متفاوت است. همچنین باید این مسئله را نیز مدنظر قرار داد که تربیت فرزندان صالح از اهداف نظام خانواده در اسلام است که باید موجبات این امر نیز فراهم شد. زیاده‌خواهی و ایده‌آل طلبی و رفاه‌زدگی در تربیت فرزندان، به‌گونه‌ای که والدین مایل باشند تعداد فرزند کمتری داشته باشند و در عوض فرزندان آنان از رفاه کامل برخوردار شوند، شیوه مناسبی در تربیت و نیز تنظیم خانواده نیست. زیرا اگر تنهایی و تأثیرات سوء این مسئله را در خانواده‌های کم‌فرزند - که اکنون خود به والدینی بی‌خواهر یا برادر یا هردو تبدیل شده‌اند و فرزندان از نعمت اقوام نزدیک و رفت و آمد با آنان و حمایت یا تمدد روانی حاصل از مراودات فامیلی نزدیک بی‌بهره‌اند- وجود دارد لحاظ کنیم، ملاحظه می‌شود که تعداد فرزندان در خانواده‌ها باید به نحوی صحیح و جدی مدنظر قرار گیرد و این تجدیدنظر به معنای کثرت بی‌حد و حساب و یا کنترل بی‌مرز نیست بلکه باید با احتساب شرایط و امکانات موجود - نه احتساب شرایط رفاه‌زدگی- به تعداد فرزندان افزود.

به نظر می‌رسد نه کمیت را باید فدای کیفیت نمود و نه کیفیت را فدای کمیت بلکه به فرمایش قرآن کریم امر «واقصد فی مشیک» (اسراء/۳۱) را باید در تمام امور و شئون زندگی من جمله کثرت یا کنترل جمعیت لحاظ کرد.

خداوند در قرآن فرموده فرزندان خود را نکشید خدا روزی آن‌ها را می‌دهد. یعنی فرزندی که دارید نکشید خدا روزی به آن‌ها می‌دهد، نه اینکه هر سال یک فرزند داشته باشید. با استناد به این آیه قرآن (لقمان/۱۹).

افزایش جمعیت در اسلام یک اصل است. خداوند بارها در آیات قرآنی کسانی را که به خاطر فقر یا توهم فقر از بچه‌داری جلوگیری می‌کنند یا فرزندان را در رحم یا پس از آن می‌کشند، سرزنش می‌کند؛ چراکه خداوند روزی‌رسان همه آفریده‌هایش است و به قول معروف هر آن کس که دندان دهد نان دهد. در آموزه‌های و حیاتی اسلام، افزایش جمعیت در میان مسلمانان و مؤمنان یک ارزش است و خداوند برای

خصوص در بحث جمعیت و افزایش آن می‌باشد و به آن سفارش کرده است، ائمه بزرگوار ما نیز به‌عنوان مکمل قرآن و جزء جدایی‌ناپذیر قرآن به این موضوع مهم پرداخته‌اند و مانند سایر امورات زندگی ما مسلمانان تأکید و سفارش نموده‌اند. از امام صادق (علیه‌السلام) روایت شده است که پیامبر خدا (صلی‌الله‌علیه‌و آله) فرمودند: «تَرْوَجُوا فَإِنِّي مَكَاثِرٌ بِكُمْ الْاَمَمِ غَدًا فِي يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛ ازدواج کنید که من به سبب زیادی جمعیت شما بر دیگر امت‌ها مباهات می‌کنم».

همچنین جابر از امام باقر (علیه‌السلام) نقل می‌کند که رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌و آله) فرمودند: «ما يَمْنَعُ الْمُؤْمِنَ أَنْ يَتَّخِذَ أَهْلًا لَعَلَّ اللَّهَ يَرْزُقُهُ نَسْمَةً تَثْقِلُ الْأَرْضَ بِلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ؛ چه چیزی انسان مؤمن را از این باز می‌دارد که همسری بگیرد تا شاید خداوند فرزندی برای او روزی کند که زمین را با «لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» آکنده سازد.»

رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌و آله) در خصوص زیاد شدن اولاد می‌فرمایند: ... آیا نمی‌دانید که، من به شما امت در روز قیامت افتخار می‌کنم، حتی به جنینی که سقط شده باشد.

و یا امام باقر (علیه‌السلام) از قول جد بزرگوارش در خصوص زیادی فرزندان روایت می‌کند که:

من به شما افراد امت در روز قیامت بر سایر امت‌ها مباهات می‌کنم.»

و یا اینکه می‌فرماید: بهترین زنانان کسی است که زیاد بچه بزاید. (حر عاملی، ۱۳۷۴؛ ج ۷: ۲۲). این احادیث و روایات بی‌شمار دیگر دلالت دارد بر اینکه، نظر اسلام بر افزون شدن فرزندان است. اما چون این افزایش فرزندان، پیامدهایی برای خانواده و والدین دارد و به همان نسبت مسئولیت به دنبال دارد و ... نفس انسان هم که راحت طلب است، در نتیجه با یک شعاری که موافق با راحتی نفس و ملایم طبع است، نظر از حقیقت بر می‌دارد و پی‌آسایش خود می‌رود. در حالی که اصل هدف خلقت را فراموش می‌کند و یادش می‌رود که دنیا جای تن‌آسایی نیست. بنابراین وجود این مقدار تأکید و ترغیب، کافی است تا انگیزه تولید نسل و داشتن فرزند را در انسان تقویت کند.

به این نتیجه می‌رسیم که: سفارش آیات و روایات برفرزونی جمعیت مسلمانان یک معیار مهم هم در دنیا و هم در آخرت، است و ما به‌عنوان یک مسلمان که قرآن و عترت دو ثقل جداناپذیر و مکمل یکدیگرند و ما را به این امر مهم سفارش می‌کنند باید تابع آن‌ها باشیم تا شرط مسلمانی را رعایت کرده باشیم.

در روایات متعددی فرزند کشی و امتناع از فرزنددار شدن

من هبه کن. حضرت زکریا ع «هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ» (آل‌عمران/۳۸) بچه را باید از خدا خواست و برخی پیامبران که بچه نداشتند از خدا می‌خواستند و اولاد و نسل چیزی است که پیامبران و اولیای خدا هم به خاطر آن به زانو در می‌آیند. بعد می‌گوید: «وَاجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا» (مریم/۶) یعنی نه هر بچه‌ای، بلکه بچه‌ای می‌خواهم که مورد رضایت تو باشد یا داریم که می‌گوید: «وَاصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي» (احقاف/۱۵) یعنی بچه و ذریه اصلاح شده می‌خواهم. برخی از ایشان چون حضرت ابراهیم (علیه‌السلام) از پیامبران اولوالعزم است؛ چراکه به کهنسالی رسیده و فرزند دار نشده‌اند و احساس می‌کنند که از این جنبه در کمبود هستند و به کمالی نرسیده‌اند. حضرت آدم و حوا که نخستین انسان‌های آفریده الهی هستند نیز خواهان برخورداری از فرزند و نسلی سالم و صالح بودند و به پیشگاه خداوندی دست نیایش و نیاز بلند کردند و از خداوند در خواست فرزند داشتند (اعراف/۱۸۹) که این درخواست ایشان اجابت شد و نسل حضرت آدم (علیه‌السلام) در جهان به وجود آمد و گسترش یافت.

از نظر قرآن، فرزند نعمت و موهبت الهی برای والدین است (انعام/۸۴ - ۸۷؛ نحل/۷۲؛ انبیاء/۶۹ و ۷۲) و بر هر انسانی است که شاکر این نعمت باشد. پس از نظر قرآن و اسلام، فرزند داشتن یک ارزش است و این ارزش هنگامی واقعی است که در مسیر تعالی انسان و انسانیت باشد و خود و فرزند را به سوی خدایی شدن و دست‌یابی به خلافت الهی انسان رهنمون سازد.

جایگاه جمعیت در روایات

جمعیت و مردمان یک جایگاه مهم و حیاتی در روایات مختلف دارند. در بعضی از روایات، جمعیت به‌عنوان نیروی اصلی و مهمی که می‌تواند تحولات و تغییرات در جوامع ایجاد کند، توصیف می‌شود. این روایات بیان می‌کنند که با وحدت و همبستگی، مردم می‌توانند نیرویی قدرتمند برای تحقق اهداف و ایده‌های خود باشند. در برخی روایات دیگر، مردم به‌عنوان بخشی از خلقت الهی و موجوداتی که باید به آن‌ها احترام گذاشته و مراقبت کرد، توصیف می‌شوند. این روایات بر اهمیت احترام به حقوق انسانی، عدالت و همدلی بین مردم تأکید دارند. بنابراین، می‌توان گفت که جمعیت و مردمان در روایات اسلامی و دیگر ادیان، جایگاه مهمی دارند و باید به آن‌ها احترام و توجه کافی شود. علاوه بر قرآن که حجت واقعی ما مسلمانان نسبت به مسائل مختلف به

همه را ضمانت کرده است، دلیل کافی برای رجحان عدم کنترل جمعیت در هر شرایطی نیست (کلینی، ۱۳۷۵: ج ۶: ۲). در نهایت به نظر می‌رسد که می‌توان گفت فرزند نعمت است و داشتن فرزندان بیشتر مورد تأیید دین است؛ البته فرزندی که باعث افتخار، صالح و خلف شایسته برای والدین، مؤمن و لا اله الا الله گو باشد، مطلوب است.

تنظیم خانواده از نظر دینی، نیز باید در چهارچوب حکومت اسلامی قرار بگیرد. حکومت اسلامی می‌تواند متناسب با شرایط و نیازهای خود، مسئله کنترل جمعیت و مسائل وابسته به آن را مدیریت کند. در وهله اول مناسب است که عوامل جانبی‌ای را که باعث کنترل ناخواسته جمعیت می‌شوند، مورد نظر قرار دهد. مسائلی مانند ایجاد توازن جمعیتی شهر و روستا، مسئله مهاجرت، لوازم فرهنگی - اجتماعی شهرنشینی - و توزیع عادلانه امکانات اقتصادی. در چنان شرایطی حکومت می‌تواند از جمعیت جوان و با نشاط خود بالاترین بهره را ببرد و در صورت فقدان شرایط مطلوب، چه بسا کنترل جمعیت براساس معیارها و اهداف داخلی و بومی به صورت سیاستی مقطعی و کنترل شده، در برنامه‌های حکومت قرار بگیرد. مهم آن است که در برنامه‌ریزی‌های داخلی نباید تبلیغات جمعیت مدنظر غرب، جهت‌گیری‌های کلان نظام را تعیین کند. تلاش دشمن، رساندن جمعیت ایران به نرخ رشد منفی و یا صفر است (جهانفر، ۱۳۸۶: ۵۰ - ۵۱) از آنجا که کشور ایران، کشوری اسلامی است و پرچم‌دار پیاده کردن حکومت علوی و گسترش اسلام در سطح دنیا است و این برای دشمنان خطر آفرین است، لذا آن‌ها تلاش می‌کنند تا با نقشه‌های شوم خود خانواده‌ها را نسبت به خطرات تولید نسل و همچنین خطرات ناشی از افزایش جمعیت خانواده‌ها با توجه به بحث تحریم‌ها و وضعیت اقتصادی کشور بترسانند.

روند نزولی رشد جمعیت و عدم توجه به آن، تهدید و نگرانی برای آینده جامعه به دنبال دارد به طوری که جامعه با یک چالش جمعیتی روبه‌رو است و برطرف کردن این چالش یک همت دینی، تربیتی و بسیجی می‌طلبد. عوامل مختلفی از جمله افزایش فردگرایی، افزایش سن ازدواج، کم‌رنگ شدن نقش دین در زندگی، اشتغال، افزایش نرخ طلاق، تأخیر فرزندآوری را می‌توان از علل کاهش جمعیت برشمرد.

در اسلام با توجه به اینکه زن کمتر دغدغه اقتصادی دارد و پدر و بعد از ازدواج همسر ملزم به تأمین مالی زن است، لذا در خیلی مواقع با وجود این زنان کمتر زیر بار ازدیاد فرزندان می‌روند و اگر در حال حاضر بین دخل و خرج‌ها هماهنگی

به دلیل ترس از فقر مورد نکوهش قرار گرفته است. در مقابل روایات دسته اول، روایاتی وجود دارد که فرزند زیاد را مایه سختی و زحمت بیشتر دانسته‌اند؛ به صورتی که رسول خدا در حق برخی دشمنان خدا دعا کردند که به عقوبت رفتارشان خداوند مال و فرزند زیاد به آن‌ها دهد (مجلسی، ۱۳۶۲: ج ۷۲: ۶۷).

بدیهی است که در موارد قابل توجهی مال و فرزند زیاد مایه زحمت و غفلت از یاد خداوند می‌شوند. از سوی دیگر در مواردی هم بی‌فرزندگی عقوبتی است که گاهی دشمنان خدا به آن گرفتار می‌آیند. همان‌گونه که در دعای حضرت امام سجاد (علیه‌السلام)، معروف به مرزبانان، آمده است که «خدایا زنانشان را از زاییدن عقیم کن و صلب مردانشان را خشک گردان و نسل حیوانات و چهارپایانشان را قطع کن. بر آسمانشان باران و بر زمین ایشان روئیدن را اجازه مده» (ارفع، ۱۳۷۹: دعای ۲۷: ۱۶۹)

در آیه ۳۳ سوره نور آمده است: کسانی که در فقر به سر می‌برند، باید عفت ورزند تا خداوند امکانات ازدواج را برای آن‌ها فراهم کند. این آیه تلویحاً فقر را عاملی برای خودداری از ازدواج که دارای بار مالی فراوان است معرفی کرده است. بخشی از این مسئولیت مالی متوجه مردان به‌عنوان سرپرستان اقتصادی زن و فرزندان است.

طبعاً برای استخراج نظریه دینی درباره جمعیت، لازم است که بین ادله فوق جمع‌بندی کرد. از سوی دیگر نمی‌توان واقعیت‌های اجتماعی موجود را نادیده گرفت. از یک‌طرف هجمه تبلیغات دشمن و جنگ نرم آن بر روی فرزندان و جوانان جامعه و در سوی دیگر بحث مشکلات اقتصادی و تأمین معاش فرزندان خود دلیلی است بر کنترل جمعیت. اما در موارد فراوانی آنچه افراد را به سمت سیاست‌های کنترل جمعیت سوق می‌دهد، فقدان حداقل خوراک و پوشاک و مسکن نیست؛ بلکه ارتقای وضع معیشتی و رسیدن به سطح بالاتری از آسایش است. خواسته‌های فرزندان و فشار حاصل از آن، در حد حداقل نیازهای روزمره نیست. تغییر در سبک‌های زندگی، مسئولیت‌های مالی فراوانی را متوجه والدین کرده است.

با این حال خداوند گاهی روزی عده‌ای را در اختیار عده دیگر قرار داده و آن را مایه امتحان این افراد قرار می‌دهد. بر همین اساس است که خداوند در قیامت از اغنیا حساب فقرا را مطالبه می‌کند. به این معنا که اگر فقیر بر اثر فقر، مرتکب گناه و معصیت شود، غنی نیز در این رابطه مقصر است. بنابراین وجود آیات و روایاتی با این مضمون که خداوند روزی

کرده و با سواد کشور، امروز یکی از عامل‌های مهم پیشرفت کشور است، در همین آمارهایی که داده می‌شود نقش جوان‌های تحصیل کرده و آگاه و پرنشاط و پرنیرو را می‌بینید ما باید در سیاست تجدید نسل تجدیدنظر کنیم، از سال ۷۱ به این طرف باید سیاست را تغییر می‌دادیم، ندادیم، خطا کردیم؛ امروز باید این خطا را جبران کنیم. کشور باید نگذارد که غلبه نسل جوان و نمای زیبای جوانی در کشور از بین برود. و این از بین خواهد رفت اگر به همین ترتیب پیش برویم. تا چند سال دیگر نسل جوان ما کم خواهد شد - که امروز قاعده جمعیتی ما جوان است - و به تدریج دچار پیری خواهیم شد. بعد از گذشت چند سال، جمعیت کشور هم کاهش پیدا خواهد کرد؛ چو پیری جمعیت با کاهش زاد و ولد همراه است یک‌زمانی را مشخص کردند و به من نشان دادند که در آن زمان ما از جمعیت فعلی مان کمتر جمعیت خواهیم داشت.» (بیانات در دیدار کارگزاران نظام، مردادماه ۹۱) مسئله جمعیت کشور به قدری حائز اهمیت است که علما و مراجع عظام نیز در این زمینه ضمن هشدار به کاهش نسل شیعه، استفتائاتی را داده‌اند. به اطلاع مراجع عظام تقلید محترم می‌رساند که تهدید نسل و خطر کاهش جمعیت کشور واقعیتی جدی و قابل توجه است که نیازمند توجه و اقدام فوری مسئولان، مراجع دینی، خانواده‌ها و جامعه در مقابله با این مسئله است. با توجه به افزایش تعداد سالمندان و کاهش نسل جوان در کشور، اهمیت حفظ و ارتقای جمعیت برای تأمین نیازهای اجتماعی، اقتصادی و امنیتی به وضوح قابل تشخیص است. لذا لازم است تا با ایجاد شرایط مساعد برای افزایش جمعیت و ترویج فرهنگ سبک زندگی و ازدواج، در احقاق مسئولیت والدین و پرورش نسل سالم و مطیع به موازین اسلامی تلاش نماییم. در این راستا، همکاری و هماهنگی بین مراجع عظام تقلید، سازمان‌های مربوطه، مراکز علمی و فرهنگی و دیگر نهادهای جامعه بسیار حیاتی و ضروری است. اعمال سیاست‌های مبتنی بر ارزش‌های دینی، ترویج آموزش و پرورش جنسی سالم و افزایش آگاهی جامعه از خطرات تهدید نسل از دیگر اقداماتی است که می‌تواند در پیشگیری و مقابله با این مسئله مؤثر باشد. با آرزوی موفقیت و استقرار برای جامعه اسلامی و حفظ آینده نسل‌های آینده.

از حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی (مدظله‌العالی) سؤال کردند که در وضعیت کنونی، با توجه به سوءاستفاده مشرکان و مخالفان اهل بیت (علیه‌السلام) از طرح کنترل جمعیت، وظیفه دولتمردان و متدینین و ... به منظور تحکیم بنیان خانواده‌ها و حفظ بافت سیاسی و اجتماعی کشور امیرالمؤمنین

وجود ندارد به دلیل آن است که کفاف زیاده‌خواهی‌های ما را نمی‌دهد و مادران ما به دنبال تأمین محبت با خرید وسایل بازی آن‌چنانی برای فرزندان هستند و آن را جایگزین محبت واقعی مادر می‌کنند. از این گذشته افزایش مدگرایی و چشم و هم‌چشمی‌ها و نگاه خانواده‌ها به یکدیگر و فخرفروشی خانواده‌ها به خصوص زنان از عوامل مشکلات اقتصادی و به دنبال آن کمبود فرزند است و این است که دشمن به خانواده‌ها از طریق ماهواره‌ها و رسانه‌ها قالب می‌کند و ما غافلیم.

هشدار مراجع عظام تقلید درباره «تهدید نسل» و خطر کاهش جمعیت کشور

تاکنون به بحث جمعیت و افزایش آن از نظر قرآن و روایات و کلام رهبر بزرگوار و همچنین نقشه‌های دشمن و مسائل اقتصادی تأثیرگذار در این زمینه پرداخته‌ایم لازم است از نگاه مراجع بزرگوار نیز خطرات کاهش جمعیت پرداخته شود.

یکی از مهم‌ترین موضوعات جمعیت‌شناختی کشور که توجه روزافزونی را به خود جلب می‌کند، بحث سالخوردگی و کاهش جمعیت جوان کشور است که جنبه‌های مختلف این پدیده مورد توجه افراد مختلف در کشور قرار گرفته است. بنابراین اهمیت و ضرورت تغییر سیاست‌های جمعیتی بر کسی پوشیده نیست و مسئولان امر باید در راستای این مهم گام‌هایی را بر می‌داشتند اما متأسفانه تا به امروز جز برخی اظهار نگرانی‌ها و هشدار دادن‌های پیاپی از سوی مسئولان، اقدام خاص دیگری دیده نشده است. حضرت امام خمینی (ره) در صحیفه نور در این باره فرموده‌اند: «مملکت ایران باید ۳۵ میلیون حالا می‌گویند جمعیت دارد. وسعتش آن قدر است که برای ۱۵۰ میلیون تا ۲۰۰ میلیون جمعیت کافی است، یعنی اگر ۲۰۰ میلیون جمعیت داشته باشد، در ایران به رفاه زندگی می‌کنند (موسوی خمینی، ۱۳۸۸: ۷: ۳۹۳).

مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) نیز در همین رابطه فرموده‌اند: «ما کشور قدرتمندی هستیم، ما کشور دارا و توانایی هستیم، از لحاظ منابع، ما در رتبه‌های بالای جهانی هستیم. در بعضی از منابع، رتبه اول قرار داریم، در ترکیب نفت و گاز، ما در دنیا اول هستیم، از همه کشورهایی که دارای نفت هستند یا دارای گاز هستند، مجموع نفت و گاز ما بیشتر است. از لحاظ منابع و معادن اساسی، کشور غنای بالا و فراوانی دارد، از لحاظ نیروی انسانی، ما هفتادوپنج میلیون نفر جمعیت داریم، این جمعیت عامل خیلی مهمی است. من این را همین‌جا عرض بکنم، جمعیت جوان و با نشاط و تحصیل

وجود می‌آید. امروزه در غرب، افراد به سمت زندگی انفرادی سوق پیدا می‌کنند؛ حتی بعضی مجبور به این امر می‌شوند؛ چرا که وقتی فردی تنها یک یا دو خواهر و یا برادر داشت باشد از بین رفتن یکی از آن‌ها موجب تنها شدن بازماندگان او خواهد شد. در این صورت زندگی و ارتباط داشتن با شخص دیگر غیرممکن یا بسیار مشکل خواهد شد. جمعیت اندک از بُعد سیاسی نیز قدرت مانور را در مقابل دشمنان کاهش خواهد داد.

جمعیت، یکی از عوامل قدرت برای کشور است. کشوری با جمعیت پیر و اندک، مورد طمع قدرت‌ها و مستکبرین خواهد بود. با توجه به آنچه درباره جمعیت گفته شد آیا کاهش جمعیت، افزایش آن و یا حد مطلوب آن چیست؟ صرف نظر از بحث کاهش یا افزایش جمعیت، یک نکته را باید در نظر گرفت و آن اینکه تغییرات جهشی جمعیتی همواره آثار بسیار نامطلوبی خواهد داشت. افزایش جهشی جمعیت و کاهش جهشی جمعیت، هر دو موجب بروز مشکلات بسیار زیادی خواهد شد. برای مثال مسئولان بعضی از کشورهای اروپایی مانند سوئیس حتی مجبور شدند، اجازه ورود افراد سایر کشورها را به کشور خود صادر کنند و آن‌ها را شهروند خود محسوب کنند؛ به آن‌ها اجازه ازدواج با افراد کشور خود را بدهند تا از عوارض و لوازم منفی پیر شدن جمعیت و کاهش جمعیت جلوگیری کنند (معلمی، ۱۳۹۱: ۱۳۵).

ضرورت درک ریشه‌های کاهش جمعیت

بحث کاهش جمعیت که در دهه ۷۰ به بعد به عناوین مختلف مطرح شد و حتی به بحث روز در کشور ما تبدیل شده بود و از آن طرف نیز دشمنان نیز در رسانه‌های مختلف برای ما دلسوزی می‌کردند برای همگان روشن است. لذا با توجه به اینکه مسئولان و تا حدودی مردم به این موضوع حیاتی پی برده‌اند باید با یک دید کارشناسی و با تمهیدات لازم برای خانواده‌ها این مهم حل شود. جمعیت باید با یک شیب مناسب کاهش و یا افزایش پیدا کند. در حال حاضر کشور ما با رکود جمعیتی و یا حتی عقب گرد جمعیتی روبه‌رو شده است. در طول این چند سال اخیر و در دولت دهم برای افزایش جمعیت فعالیت‌هایی صورت گرفت. برای مثال دولت اعلام کرد برای هر فرزندی که به دنیا می‌آید مبلغی را در بانک سرمایه‌گذاری می‌کند. تا با افزایش این سپرده توسط خانواده‌ها این فرزندان هنگام رسیدن به سن ازدواج و اشتغال مبلغی را به‌عنوان سرمایه در اختیار داشته باشند. البته این طرح با موافقت مجلس مواجه نشد. یارانه‌ها که طی آن به هر

(علیه‌السلام) چیست؟ پاسخ: در تمام مواردی که کنترل موالید سبب تغییر بافت جمعیت و ضربه زدن به مبانی مکتب اهل بیت (علیه‌السلام) می‌شود همه وظیفه دارند در حد توان خود جلوی این معضل را بگیرند. شعار غلط فرزند کمتر زندگی بهتر در اعماق دل جمعی نفوذ کرده که این مسئله دو عیب بزرگ برای مملکت دارد؛ یکی اینکه جمعیت قوس نزولی پیدا می‌کند که این خطرناک است و دیگر اینکه بر تعداد جمعیت جوانی که کارهای اصلی کشور بر دوش آن‌ها است کم می‌شود، در حالی که بارهای سنگین هر جامعه‌ای بر دوش جوانان آن جامعه است و اگر جوانان جامعه‌ای کم شود این جامعه آسیب‌پذیر است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ۲۵).

آثار کاهش جمعیت در نظام اجتماعی

یکی از شاخص‌های این رکود جمعیتی افزایش سن ازدواج است. طی آخرین آمار سن متوسط ازدواج در دختران ۲۳ و سن ازدواج پسران ۲۷ تا ۲۸ سال است. افزایش سن ازدواج به‌طور طبیعی موجب کاهش زاد و ولد شده است. علاوه بر این افراد هم بعد از ازدواج سعی می‌کنند تعداد فرزندان کم‌تری داشته باشند. این اتفاق کشور را با خطرات جدیدی روبه‌رو کرده است. رکود جمعیتی آثار نامطلوب خاص خود را دارد که به تدریج آثار سوء اقتصادی، سیاسی فرهنگی آن بارز خواهد شد.

یکی از آثار اقتصادی آن پیر شدن جمعیت کشور است. با پیر شدن جمعیت تعداد افرادی که با کار و فعالیت آن‌ها امور جامعه سامان می‌یابد، محدود شده و در نتیجه تعداد مصرف‌کنندگان جامعه به نسبت افزایش می‌یابد. در این صورت جامعه از لحاظ فرهنگی و ارتباطات فرهنگی به شدت تضعیف می‌شود به شکلی که اگر این روند ادامه پیدا کند، در آینده بعضی از منسوبین را فقط می‌توان در قصه‌ها و تاریخ یافت و داشتن خاله و عمو و دایی و عمه بسیار نادر خواهد شد. تعداد اندک فرزندان، علقه انسانی را بین افراد کم می‌کند. رابطه پدر و فرزندی تنها رابطه لازم جامعه نیست. رابطه برادری و خواهری، کارکردهایی در جامعه دارد که اگر از بین برود، جامعه به سمت فردگرایی و خودمحوری پیش خواهد رفت. در خانواده‌ای که فرزندان باید در ضمن پرورش، با ارتباطات اجتماعی هم آشنا شوند به دلیل تعداد کم فرزندان که به یک دو نفر محدود می‌شود ارتباطات اجتماعی تضعیف خواهد شد؛ رابطه پدر و مادر با هم متفاوت خواهد بود؛ همچنین تقسیم‌کار، ارتباطات و عاطفه در خانواده تضعیف خواهد شد و بدین شکل، مشکلات فرهنگی در جامعه به

منظر فقه اسلامی مورد بررسی قرار گیرد. که به چند نمونه از مقالاتی که در این راستا اشاره می‌شود.

اسلامی (۱۳۹۲)، در پژوهشی به بحث و بررسی پیرامون مطلوبیت افزایش جمعیت مسلمین از نگاه فقهی پرداختند که نتایج زیر حاصل شد. مطلوبیت شرعی افزایش جمعیت مسلمین و تحقق آن به‌عنوان سیاست کلی نظام، تنها با تشکیل خانواده و ترغیب به فرزندآوری بیش‌تر است. دودسته ادله شرعی، این فرضیه را اثبات می‌کند: دسته اول، آیات و روایات مربوط به مسائل خانواده است و دسته دوم، ادله‌ای است که به امور دیگری همچون بیان نعمت‌های دنیوی و وصف جامعه اسلامی به عزت‌مداری و مانند آن می‌پردازند.

ملک افضل‌ی اردکانی و هاشمی (۱۳۹۴)، در پژوهشی به بررسی مبانی فقهی سیاست‌های جمعیتی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر اندیشه‌های مقام معظم رهبری پرداختند که نتایج زیر حاصل شد نظر به برجستگی بعد کمی در ساختار سیاست‌های جمعیتی جمهوری اسلامی ایران و توجه به این واقعیت که بیشتر مناقشات و دغدغه‌های مطرح شده در باب این سیاست‌ها در بعد کمی و به‌ویژه جنبه کنترلی و تحدید نسل بوده است، در این مقاله به مبانی و مستندات این جنبه از سیاست‌های جمعیتی جمهوری اسلامی پرداخته شده است. بررسی مبانی و مستندات شرعی مرتبط با مقوله جمعیت و سیاست‌های جمعیتی، مؤید این مهم است که سیاست‌های جمعیتی در بعد کمی؛ چه با رویکرد کنترلی و چه با رویکرد ازدیاد موالید، نه تنها محذوری شرعی در پی نداشته، بلکه از جهاتی دارای مبانی و مستندات مورد پذیرش شرع است؛ چنانچه متغیر بودن این سیاست‌ها در ادوار مختلف با توجه به شناور بودن و چند ساحتی بودن موضوع، محذوری در پی نداشته و ندارد. توضیح آنکه رصد این سه دوره از سیاست‌های جمعیتی که براساس سیاست‌های اعمالی و اعلانی جمهوری اسلامی شکل گرفته است، مؤید این مهم است که توجه به بعد کمی جمعیت؛ چه در ساحت کنترل و تحدید جمعیت و چه در ساحت رشد باروری و زاد و ولد، شاخصه اصلی این سیاست‌ها می‌باشد. البته اگرچه در برخی از اسناد بالادستی، سیاست‌های جمعیتی از جمله ابلاغیه مقام رهبری در سال ۱۳۹۳، به مسائل و شاخصه‌های دیگری نیز توجه شده، ولی در همین سند نیز بعد کمی محور بوده و موارد دیگر در راستای این بعد مطرح شده است.

میرهاشمی و جلیلی کله‌ری (۱۳۹۶)، در پژوهشی به بررسی تبیین و بررسی دیدگاه‌های مستنبط از آیات و روایات در مورد سیاست راهبردی تکثیر موالید و افزایش جمعیت در اسلام پرداختند که نتایج زیر حاصل شد. متأسفانه در کشور ما

نفر از افراد خانواده وجهی تعلق می‌گیرد برای یک خانواده پرجمعیت امتیاز محسوب می‌شود. اما همه این برنامه‌ها به‌شدت کم اثر بوده است. در حال حاضر هم دولت یازدهم در پی تمهیدات و راهکارهای مناسب برای حل این معضل است که باید دید در آینده چه تمهیداتی در این زمینه صورت می‌گیرد (معلمی، ۱۳۹۱: ۱۳۵).

با توجه به افزایش نسل پنجاه و سی‌ساله و دسترسی به خدمات بهداشتی بهبودیافته، جمعیت جهان به‌سرعت رشد کرده است. این افزایش جمعیت باعث نیاز به منابع بیشتر و فشار بر محیط‌زیست شده است. بنابراین، درک ریشه‌های کاهش جمعیت اهمیت زیادی دارد. اولین ریشه کاهش جمعیت، افزایش دسترسی به آموزش و بهبود سلامت است. آموزش به زنان و دختران به‌عنوان یکی از عوامل مهم در کاهش نرخ تولید نسل است. همچنین، بهبود خدمات بهداشتی و اعتباری برای زنان و مردان، افزایش سن عروسی و به‌تبع آن، کاهش نرخ تولید نسل را تسریع می‌کند.

دومین ریشه کاهش جمعیت، افزایش فرصت‌های اقتصادی است. ایجاد شغل‌های پایدار و درآمدزایی برای جوانان و بزرگسالان، باعث کاهش نرخ تولید نسل می‌شود. همچنین، بهبود سطح زندگی و افزایش دسترسی به خدمات اجتماعی و بهداشتی، تشویق به تولد فرزندان کمتر می‌شود. سومین ریشه کاهش جمعیت، افزایش آگاهی جمعیت و توجه به آثار منفی بی‌پایان تولید نسل است. آگاهی افراد از تأثیرات مخرب افزایش جمعیت بر محیط‌زیست و منابع طبیعی، باعث تصمیم‌گیری هوشمندانه‌تر برای کنترل تعداد فرزندان می‌شود. به‌طور خلاصه، درک ریشه‌های کاهش جمعیت شامل افزایش دسترسی به آموزش و بهبود سلامت، افزایش فرصت‌های اقتصادی و افزایش آگاهی جامعه است. تنها با ترکیب این سه عامل می‌توان به کاهش صحیح جمعیت و حفظ منابع طبیعی رسید (آرام و عزیزی، ۱۴۰۲).

پیشینه پژوهش

بحث جمعیت و آثار افزایش و کاهش آن از زمان‌های دور مورد توجه و بحث و تبادل نظر در کشورهای غربی و اروپایی و حتی کشورهای در حال توسعه بوده است در کشور ما ایران نیز چه در زمان قبل از انقلاب و چه بعد از آن از سوی صاحب‌نظران و محققان و پژوهشگران مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفته است و کتاب‌ها و مقالات و پژوهش‌های مختلفی از سوی افراد مختلف در این زمینه نوشته و به چاپ رسیده است. اما در این مقاله در پی آن هستیم که این موضوع از

می‌شود.

عنوان برخی از کتاب‌ها:

- کتاب کنترل جمعیت از دیدگاه اسلام، فرج‌الله نادری
- کتاب کاهش جمعیت ضربه ای سنگین بر پیکر مسلمین، سید محمد حسین حسینی تهرانی
- عنوان برخی مقالات و پژوهش‌ها:
- عواملی که می‌توانند بر نتایج برنامه‌های تنظیم خانواده مؤثر باشد، عطاءالله متین
- رشد جمعیت، ارژنگ امیر خسروی
- چشم‌انداز رشد جمعیت در جهان و ایران و برنامه تنظیم خانواده، یدالله فرهادی
- رشد جمعیت و اهمیت آمارهای حیاتی، علی‌اکبر رحمانی
- وضعیت جمعیت در کشورهای جنوب و جوامع اسلامی از دیدگاه جامعه‌شناسی، محمدتقی شیخی
- فهرست کتب جمعیت‌شناسی، شمسی هاشمی
- بررسی تأثیر متقابل فرایند افزایش جمعیت و شهرنشینی در ایران، جلیل محبوب، اصغر میرفردی
- بررسی تأثیر ساختار سنی جمعیت بر مخارج دولت در ایران، علی سوری، رضا کیهانی حکمت
- شاخص‌های جمعیتی جهان و ایران، طه نور الهی، الهام فتحی
- معرفی سایت‌های مربوط به علم جمعیت و جمعیت‌شناسی، مهنازدری منش

بحث و نتیجه‌گیری

خانواده به‌عنوان مقدس‌ترین نهاد در اسلام نقش مهمی در افزایش و یا کاهش جمعیت دارد و در آیات قرآن کریم و روایات معصومین (علیهم‌السلام) و فقه اسلامی نیز به آن اشاره شده است، بنابراین دشمن در نظر دارد از انواع و اقسام راه‌های مختلف به اسلام و به خصوص تشیع از جمله کم کردن نیروی انسانی و جمعیت به ملت‌های اسلامی ضربه وارد کند. لذا افزایش جمعیت یکی از برنامه‌های دولت اسلامی ماست، لذا با توجه به اینکه ما پیرو قرآن و اهل‌بیت هستیم مسئله جمعیت در کنار سایر عبادات و مسائل دینی و اعتقادی مورد تأکید قرآن و معصومین (علیهم‌السلام)، نیز باید به‌عنوان یک ارزش تلقی شود که البته باید در چارچوب رعایت شئون و موازین دینی و حساب شده باشد و از افراط و تفریط به دور بوده و محیط و شرایط و موقعیت خانواده‌ها نیز باید در نظر گرفته شود، اما این را باید بدانیم که رزاق و روزی دهنده واقعی خداوند متعال است که اگرچه فرزند بیشتر مشکلاتی را در زمینه تربیتی و اقتصادی به همراه دارد لذا

در سال‌های اخیر میزان باروری و به تبع آن نرخ رشد جمعیت کاهش چشم‌گیری داشته است. به همین دلیل با توجه به اختلاف‌نظری که در مسئله جمعیت میان نظریه‌پردازان وجود دارد، مقاله حاضر با علم به این مطلب که در نظام حقوقی مبتنی بر احکام اسلامی، برای به دست آوردن حکم هر موضوع، در قدم اول، باید به منابع اصلی استنباط احکام الهی که در فقه شیعه عبارت‌اند از: کتاب، سنت، اجماع و عقل، مراجعه کرد، به تبیین دیدگاه مستنبط از آیات و روایات در مورد تکثیر موالید پرداخته است، با این هدف که آیات قرآن کریم و روایات پیامبر و اهل‌بیت بتوانند راهگشای تصمیم‌گیری صحیح تک‌تک افراد در این زمینه باشند. در نهایت نیز از بررسی مجموع آیات و روایات مرتبط با نظریه افزایش جمعیت و با عنایت به سیاست‌های مرتبط با مسئله جمعیت در آیات و روایات اسلامی، از جمله تشویق به ازدواج به موقع و مذموم بودن تجرد، تشویق به ازدواج آسان، تأکید بر تمایل فطری به فرزند و افزایش کمی و کیفی جمعیت، می‌توان سیاست راهبردی جمعیت در اسلام را، فزونی جمعیت کمی و کیفی با هدف تحقق سیاست «افزایش قدرت جامعه اسلامی و تأثیرگذاری آن» و «افزایش پیروان دین حق و تحقق هدف خلفت» دانست و نتیجه گرفت که دین اسلام نسبت به تکثیر اولاد در همه زمان‌ها اهتمام داشته؛ زیرا تعبیر وارده در روایات به‌عنوان یک قضیه حقیقیه و به‌عنوان یک سیاست دائمی و همیشگی دین مطرح است.

محمد میسی و جعفری‌نژاد (۱۳۹۷)، در پژوهشی به بررسی کاهش جمعیت و تأثیر آن بر امنیت در الگوی ایرانی اسلامی پیشرفته پرداختند که نتایج زیر حاصل شد در کشور ما جمعیت و بررسی آثار و پیامدهای آن در مقاطع مختلف از مباحث مهم و جذاب بوده است. در بعضی از دولت‌ها، سیاست بر فزونی جمعیت و در بعضی از دولت‌ها بر کنترل و کاهش آن بوده است. از زمان پیروزی انقلاب اسلامی، به‌خصوص پس از پایان جنگ تحمیلی، کنترل جمعیت به‌عنوان یک سیاست راهبردی در دستور کار قرار گرفت و نتیجه آن در حال حاضر گسست نسلی و حرکت جامعه به سمت پیری مفرط است توجه به نقش جمعیت در تحقق طرح‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و امنیتی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و تأکیدات مقام معظم رهبری بر فزونی جمعیت، در این مقاله به بررسی نقش جمعیت و پیامدهای مثبت و منفی آن با توجه به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت می‌پردازیم.

در انتهای امر هم تعدادی از کتبی که در راستای موضوع پژوهش انجام گرفته است به صورت فهرست‌وار برایتان آورده

رشد جمعیت هم‌اکنون در کشور کمتر از دو درصد است که جای نگرانی دارد. لذا عواملی که جامعه را به اینجا کشانده باید آسیب‌شناسی و بررسی شود، در همین راستا عوامل تشویقی برای تغییر این روش و افزایش جمعیت در نظر گرفته شود. و به مردم اعلام شود و دولت نیز باید با برنامه‌ریزی صحیح برای افزایش جمعیت کشور تلاش کند.

بدیهی است اگر همیشه درد را بیان می‌کنیم، در ادامه باید ریشه‌های درد و درمان را نیز در نظر گرفته و مورد توجه قرار داد، لذا الان در این خصوص وظیفه شرعی بر عهده ماست.

۲- افزایش جمعیت جوان کشور درگرو مقابله با فرهنگ غربی «فرزند کمتر، زندگی بهتر»

شایان ذکر است ترویج فرهنگ غرب در قالب راحت‌طلبی در جامعه یکی از مهم‌ترین دلایل کاهش جمعیت است، غربی‌ها می‌گویند «فرزند کمتر زندگی بهتر» و برای رهایی از مسئولیت و مخارج بچه‌ها اقدام به نگهداری حیوانات در منزل می‌کنند. حال جای بسی تأسف است که شعار «فرزند کمتر، زندگی بهتر» به فرهنگ تبدیل شده است، در صورتی که باید آن را به شعار «فرزند بیشتر زندگی بهتر، جامعه قوی‌تر و کشوری آبرومندتر» تبدیل کرد تا بتوان بر چالش کاهش جمعیت فائق آمد.

لیکن حقیقت آن است که این شعار غلط غربی در اعماق دل برخی نفوذ کرده است و این کاهش جمعیت را به دنبال داشته است، اما باید دانست در صورت ادامه این روند جمعیت جوان کشور کم می‌شود و جمعیت کشور را بزرگسالان تشکیل می‌دهند؛ در حالی که بارهای سنگین هر جامعه‌ای بر دوش جوانان است و اگر جمعیت جامعه‌ای پیر شود آن جامعه آسیب‌پذیر خواهد بود.

لذا برای برون‌رفت از این نقیصه باید شخصیت‌های مختلف و محافل گوناگون، مردم را ترغیب کنند که این وضع عوض شود؛ شرایط امروز شرایطی است که اگر کاهش جمعیت همین‌گونه پیش رود آسیب‌های گوناگون و خطرناکی جامعه را تهدید می‌کند.

من از منابع معتبر آمار گرفته‌ام، وضعیت جمعیت در کشور ما به شدت رو به ضعف و خطر می‌رود و سال به سال آمار جمعیت کشور ما کمتر می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۲۲).

پیش‌بینی می‌شود اگر به همین صورت پیش برویم جمعیت ما تبدیل به نصف و حتی کمتر می‌شود؛ در این صورت جامعه ما به یک جامعه پیر تبدیل و مشکلات بسیاری برای کشور ایجاد خواهد شد.

انسان در این دنیا برای راحتی خلق نشده است و هرچه سختی ببیند به خصوص در زمینه تربیت فرزندان اجر اخروی او بیشتر است. لذا تلاش در جهت تشویق خانواده‌ها به مسئله جمعیت خود یک ارزش در پیشگاه خداوند محسوب شده و از مصادیق امریه معروف می‌باشد.

راهکارهایی برای افزایش جمعیت

۱. ارائه آموزش مهارت‌های لازم برای افراد جوان و از بین بردن موانع به‌روزرسانی مهارت‌های عمومی و تخصصی.
۲. ارائه شغل‌های برای جوانان و جلوگیری از مهاجرت ناخواسته.
۳. سیاست‌های جذب به مؤسسات معاونت دولت و سایر سازمان‌ها مهاجرت اغلب از طبقه فقیر جامعه می‌زند و باعث افزایش زودهنگام جمعیت خواهد شد.
۴. اعمال سازوکارهای لازم جهت کنترل میزان تولید و سایر رشته‌های مهندسی جامعه اهمیت دارد.
۵. همه اعضای جوامع باید از فرصت‌های برای ارتقا و توسعه استفاده کنند.
۶. ارائه خدمات بهداشتی و درمانی به جلوگیری از بیماری‌ها و کاهش نرخ مرگ‌ومیر در جوامع بسیار اهمیت دارد.
۷. اجرای طرح‌ها و برنامه‌های عمرانی برای نظارت بر افزایش جمعیت و نظارت بر میزان نرخ مرگ‌ومیر در جوامع (جعفری شاهرودی و همکاران، ۱۴۰۲).

راهکارهای فقهی اسلامی برای مدیریت افزایش

جمعیت در وضعیت کنونی

کشوری که در تقابل دائمی تمدنی با مستکبرین جهان و تمدن غربی است، باید جمعیتی جوان، پرتوان و نوآور داشته باشد. رکود جمعیتی باعث کاهش رشد جمعیت شده و به پیری جمعیت منجر می‌شود. جمعیت پیر فاقد نوآوری، تحول‌خواهی و شجاعت است و به سازش با شرایط تمایل دارد. به هر حال روند رشد جمعیت کارشناسان جامعه اعم از سیاست‌گذاران و دانشمندان اجتماعی را به این نتیجه رسانده که وضعیت کنونی جمعیت بسیار خطرناک است و به سرعت باید مانع کاهش جمعیت یا پیر شدن جمعیت شد.

ازجمله راهکارهایی که می‌توان اشاره کرد:

- ۱- ضرورت آسیب‌شناسی کاهش آمار جمعیت کشور؛ کاهش جمعیت یک فاجعه بزرگ اجتماعی است که مسائلی مانند بی‌مسئولیتی اجتماعی، انتحار و خودکشی، ازجمله آثار شوم این فاجعه عظیم به شمار می‌رود.

۳- افزایش جمعیت در گرو تسهیل و ترویج ازدواج

باید انقلاب اسلامی را از آفات، بلاها و دشمنان حفظ کنیم، حال یکی از مشکلاتی که کشور ما با آن روبرو است مسئله کاهش جمعیت کشور و کاهش ازدواج است، از سویی دیگر سن ازدواج بالا رفته و علاقه به داشتن فرزند نیز کم شده که این کاهش جمعیت را به دنبال دارد. نباید فراموش نمود فلسفه نکاح، افزایش نسل و جلوگیری از انقراض نسل است، بلکه اگر روزی به عللی خوف انقراض نسل انسان باشد نکاح واجب می‌شود، اگرچه در حال عادی مستحب است. حتی در جایی که موازنه جمعیت به ضرر اسلام و به نفع کفار است نکاح و ازدیاد نسل واجب است، همچنین اگر به زیان شیعه باشد، جلوی ازدیاد نسل را گرفتن جایز نیست زیرا نباید موازنه جمعیت به ضرر شیعه به هم بخورد در حالی که در عمل شیعیان را تشویق به فرزند کمتر می‌کنند.

۴- فرهنگ‌سازی ازدواج آسان؛ زمینه‌ساز افزایش جمعیت در کشور

باید فرهنگ اسلام را در مسئله ازدواج زنده و شرایط ازدواج جوانان را آسان کرد، در آموزه‌های نبوی تک‌فرزندی و دو فرزندنی سنت اسلام نیست؛ در دین مبین اسلام و تأکیدات ائمه اطهار (ع) ازدواج رمز آبادانی و طلاق عامل ویرانی یاد شده است. لذا والدین نباید نسبت به فرزندان خود به‌ویژه در امر مهم و مقدس ازدواج سخت‌گیری کنند، سخت‌گیری‌های بیهوده و بی‌جا سبب ایجاد مشکلاتی در جوان شما و همچنین جامعه می‌شود. امروز با سن بالای ازدواج و شعار فرزند کمتر، مواجه هستیم که اگر با همین وضعیت پیش برویم با چالش‌های عدیده مواجه خواهیم شد.

۵- دولت شرایط ازدواج آسان در جامعه را فراهم کند

بی‌تردید مسئله ازدواج جوانان، مسئله‌ای شخصی نیست که تنها خوشان مسئول باشند، بلکه مسئله‌ای اجتماعی است و همه مسلمانان وظیفه دارند برای ازدواج همه جوانان کوشش کنند. در این میان دولت باید کمک به ازدواج جوانان را جزو بودجه‌های رسمی خود قرار دهد.

به‌راستی نباید مسائل مربوط به ازدواج و کار جوانان درست شود و جوانان درزمینه مسکن مطمئن باشند تا سبب شود، فکرشان راحت شده که اگر بچه‌دار شوند، مشکل ندارند. از این‌رو برخی از مسائل جنبه ضروری دارند و دولت اکنون باید به این موضوعات توجه داشته باشد؛ امیدواریم در شرایط فعلی دولت این مطالبه را با مدیریت صحیح محقق

سازد.

۶- مسئولیت دولت؛ رسانه‌ها و مبلغان دینی در فرهنگ‌سازی افزایش فرزندآوری

بی‌شک ترویج تک‌فرزندی و حتی دو فرزندنی شعاری نامطلوب است؛ تک‌فرزندنی به‌عنوان بلایی برای خانواده‌های جامعه ماست که به گفته روان‌شناسان، این قبیل فرزندان، خشن و پرتوقع بار می‌آیند که در آینده هم سرکش و خشن می‌شوند و بعضاً برای جامعه مضر خواهند بود؛ لذا به‌هیچ‌وجه یک فرزندنی و دو فرزندنی نباید ترویج شود. بلکه همگان باید به‌عنوان وظیفه شرعی و وظیفه اجتماعی این مسئله را مورد توجه قرار دهیم (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۲۲).

بسیاری از کشورها سیاست‌های تشویقی برای فرزند آوری بیشتر در پیش گرفته‌اند، اما بر اثر تبلیغات دشمنان در کشورهای جهان سوم، به کاهش فرزندآوری اقبال می‌شود. لذا مسئله عقیم کردن مردان و زنان پیشنهاد شد و الان بسیاری از کشورها با این مشکل مواجه هستند؛ متأسفانه ما نیز در دام آن‌ها افتاده‌ایم.

حال برای خروج از این وضعیت باید افزایش فرزند را در دستور کار قرار دهیم، بدین نحو که هر خانواده باید حداقل سه فرزند داشته باشد.

بدین نحو که باید عوامل ترغیبی فرزندآوری بیشتر تبیین شود و به مردم اعلام شود. دولت باید برای تبیین فرهنگ فرزندآوری بیشتر، برنامه‌ها و سیاست‌های مشخصی داشته باشد. فعالیت‌هایی که برای عقیم نمودن افراد صورت می‌گیرد، نوعی جنایت است که هر کس مرتکب آن شود باید تحت تعقیب قرار گیرد. دولت در این زمینه مسئول است.

نقش رسانه‌ها در ترویج فرهنگ فرزندآوری نیز بسیار مهم است باید فرهنگ‌سازی کنند به‌ویژه رسانه ملی در این زمینه نقش تأثیرگذاری دارد.

از سوی دیگر روحانیت نیز باید رسالت خود را انجام دهد، آقایان این مسائل را به اطلاع مردم برسانند، وظیفه شرعی خود را انجام دهند تا افرادی نگویند از کجا می‌خواهیم روزی و خوراک آن‌ها را تأمین کنیم؛ خداوند رزاق انسان است و خودش روزی فرزندان را می‌دهد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۲۲).

References

Al-Hurr Al-Amili, Muhammad bin Al-Hasan. (1995). *Wasa'il Al-Shi'a*, vol. 7, Al-Islamiyyah Press, Aal Al-Bayt Foundation, Qom.

- Ali bin Al-Hussein, Sahifa Sajjadiyya, translated by Sayyid Kazim Arfa' (2000). Publications of Faiz Kashani, Sal, Chapter One. - Fayd Kashani, Mohsen, Tafsir Safi, translated by Hosseini Amini. (1998). Part 1, Dar Al-Kutub Al-Islamiyyah, Tehran
- Aram, M. R., Azizi, S. M. (2023). Analysis of factors of increase and decrease of generation based on the teachings of the Qur'an and Hadith. *Women and Families Cultural-Educational Journal*, 18(63), 213-240. Dor: [20.1001.1.26454955.1402.18.63.13.9](https://doi.org/10.1001.1.26454955.1402.18.63.13.9)
- Aryanpur, M. (2006). *Hazara, Farhang Hamara Pishro Aryanpur*. Tehran: Jahan
- Boroujerdi, Sayyid Hussein (2007). *Jami' al-Hadith*, vol. 20, translated by Ahmad Ismail Tabar, Tehran, Chapter: First.
- Eslami, R. (2013). The Desirability of increasing the Muslim population from a jurisprudential point of view. *Fiqh*, 20(78), 113-134.
- Jafari Shahroudi, F., Jafari Shahroudi, M., Jafari Shahroudi, M., Kikha, M., Kikha, M. (2023). Effective factors in population growth, *1th International Conference of Sociology, Social Sciences and Education with a Look to the Future Approach*, Bushehr. (In Persian)
- Jahandost, M. (2012). Population control in Islamic societies from the perspective of Imami jurisprudence. *Balagh Mobin*, 32-33, 87 -110. (In Persian)
- Malekafđali Ardakāni, M., & Hāshemī, S. M. &. (2015). The jurisprudential (fiqhi) Fundamentals of the Demographical Policies of the Islamic Republic of Iran. *Islamic Government*, 20(2), 5-30.
- Mirhashemi, Z.S., & Jalili kalhori, F. (2017). Population Increasing in Quran verses and Islamic traditional sources. *Journal of Woman and Family Studies*, 5(2), 153-192. Doi: [10.22051/JWFS.2017.9418.1127](https://doi.org/10.22051/JWFS.2017.9418.1127)
- Mohammad Messi, N. Jafarinejad, M. (2019). Investigation of population decline and its impact on security in advanced Iranian Islamic model, *conference on advanced Iranian Islamic model*, 2019.
- Mousavi khomeini, R.A. (2009). *Sahifeh-Ye- Nour*. Tehran: Published by the Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Mulla Mohsen, Faiz Kashani Rah, Tafsir Safi, Al-Murduada al-Sadasa, vol. 1, pp. 33-34. Nahj al-Balagha Quran
- Saberi Majd, A, & karami, F. (2023). The jurisprudential necessity of transitioning from having only one child in the light of the necessity of population increase. *Research Letter of Social Jurisprudence (Interdisciplinary Researches in Jurisprudence/ Researches In Jurisprudence)*, 11(2), 541-568. [Doi: 10.30497/sj.2023.244330.1239](https://doi.org/10.30497/sj.2023.244330.1239) (In Persian)
- Saberi Majd, Ahmed; Kerami; Farzane; The jurisprudential necessity of transitioning from having only one
- Tabatabai, M. H. (2008). *Al-Mizan fi Tafsir Al-Qur'an*, vol. 13, translated by Mousavi Hamadani. Publications of Modarresin University, Qom Seminary, Islamic Publications Book.
- Talati, M. H. (2008). *Population Growth, Family Planning and Abortion*. Qom: Bostan Kitab, Islamic Propaganda Office of Qom Seminary.
- Tamna, S. (2008). *Fundamentals of Demography*. Tehran: Payam Noor University Publications, 5th edition. (In Persian)
- The Holy Qur'an, translated by Mahdi Elahi Qamsha (2002). Publications of the Qur'an Karim Al-Hadi Foundation, Chap Sum.
- Zanjani, H.A. (1999). *Population analysis*. Tehran, The Organization for Researching and Composing University Textbooks in the Islamic Sciences and the Humanities (SAMT). (In Persian)